

## وظایف بانک ها و موسسات مالی پس از صدور چک به منظور تسریع در خدمات بانکداری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۲/۲۲ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۷/۰۸/۲۲)

دکتر شاپور فرهنگ پور

عضو هیات علمی دانشگاه

بهنام اسدی

پژوهشگر و مدرس دانشگاه

### چکیده

بانک از لغت آلمانی **Bank** به معنای شرکت اقتباس شده است و به تعریف دیگر از لغت ایتالیایی **Banco** که در قدیم الایام به میز (جلوکان) (که یا محل کسب صرافانی که به عملیات پولی اشتغال داشته اند) اطلاق می شده، اقتباس گردیده است. بانک مؤسسه ای است برای نگهداری وجوه افراد، جمع آوری وجوه اضافی مردم و اعطای این وجوه به صورت وام و اعتبار و اشخاصی که به منابع مالی نیاز دارند. در تعریف دیگر بانک مؤسسه ای است که وجوه سرگردان، بی هدف و غیر قابل مصرف توسط دارنده آنرا در جامعه جمع آوری نموده و با توجه به سیاست های دولت در بخش های مختلف سرمایه گذاری نموده و یا به اعطای تسهیلات می پردازد. در تعاریف فوق بیشتر به قسمت عمده فعالیت بانک ها یعنی جمع آوری سپرده ها و چگونگی مصرف آن توجه شده است. در تعریف دیگر که با توجه به قوانین و آیین نامه های ناظر به عملیات پولی و مالی صورت گرفته است: بانک مؤسسه ای است که در چهارچوب قوانین و آیین نامه های دولت به عملیات پولی و مالی مجاز و خدمات مرتبط با آنها می پردازد. در بانک های تجاری عمده ترین فعالیت، اعمال سیاست ها و روش های جذب منابع پولی و مصرف این وجوه به صورت تسهیلات در بخش های مختلف اقتصادی است. واقعیت این است که هیچ یک از این تعاریف جامع و مانع نیست.

۴۵

فصلنامه مطالعات نوین بانکی - دوره اول - شماره اول - زمستان ۱۳۹۷



واژگان کلیدی: اسناد تجاری، چک بلامحل، خدمات بانکی، صدور چک، موسسات مالی



## بخش اول: بررسی عملیات بانک

به طور کلی عملیات بانک در یک تقسیم بندی به سه دسته تقسیم می شود:

\* خدمات بانکی \* قبول سپرده ها یا تجهیز منابع پولی \* تسهیلات مالی

در قسمت اول بانک ها جهت رفع حوائج ضروری جامعه ضمن ارائه خدمات برای مشتریان خود تسهیلاتی را در انجام امور جاری آنان فراهم می کنند و در ازای ضمانتنامه، انجام حوالجات، دریافت وجوه مربوط به قبض آب، برق، تلفن... از جمله این خدمات هستند. در نتیجه انجام خدمات، نوعی رابطه حقوقی بین بانک و مشتری به وجود می آید که برای هر طرف تعهداتی را ایجاد می کند. تعهدات مزبور بعضاً می تواند در شکل یکی از عقود معین موضوع قانون مدنی توجیه شود و در بعضی موارد عنوان مشخصی نمی توان برای آن قائل شد. بلکه در چهارچوب یک قرارداد خصوصی که برای طرفین الزام آور است و بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی توجیه می شود.<sup>۱</sup>

در قسمت دوم، عملیات بانکی، بانک ها مبادرت به جمع آوری وجوه مازاد بر هزینه های جاری اشخاص حقیقی و حقوقی به صورت سپرده می نمایند. جلب و جذب سپرده ها نیز رابطه حقوقی خاص بین سپرده گذاران و بانک ایجاد می کنند. گاهی جمع آوری سپرده به صورت قرض الحسنه است که در این حالت وجوه سپرده گذاری شده به بانک تملیک می شود و بانک مالک آن می گردد. و رابطه بین بانک و سپرده گذار رابطه مدیون و داین است. گاهی جمع آوری سپرده ها به منظور پرداخت تسهیلات مالی و انجام معامله و کسب درآمد برای سپرده گذار است. که در این حالت بانک وکیل سپرده گذاران بوده و آثار و نتایج معاملات را که با این وجوه صورت می گیرد، متوجه سپرده گذاران می شود. بانک وجوه کلیه

- به موجب ماده ۲۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا: وجوه دریافتی تحت عنوان کارمزد، حق الوکاله، جزء درآمدهای بانکها بوده و قابل تقسیم بین سپرده گذاران نمی باشد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - ماده ۶۴۸ قانون مدنی - قرض عقدی است که بموجب آن طرفین مقدار معین از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند. ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا: بانکها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده های قرض الحسنه می باشند.

ی سپرده گذاران را بصورت مشاعی هزینه می کند و در واقع سپرده گذاران مع الواسطه با یکدیگر شریک می شوند. لذا رابطه حقوقی و تعهداتی که بین بانک و سپرده گذاران بوجود می آید بسیار گسترده و دارای ظرافت های خاصی می باشد. عقود موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا در زمره عقود معینه مندرج در قانون مدنی است که پس از انعقاد برای بانک و مشتری ایجاد تعهد می کند. لذا جهت حصول اطمینان از صحت وقوع عقد لازم است، در زمان پرداخت تسهیلات و انعقاد قرارداد شرایط صحت معاملات رعایت شود. تسهیلات مالی موضوع قانون عملیات بانکی بدون ربا با توجه به مقررات قانون مدنی و آئین نامه های فصل سوم قانون عملیات بانکی و دستورالعمل های اجرایی آن مورد بررسی قرار می گیرد این تسهیلات عبارتند از: قرض الحسنه، مشارکت، سرمایه گذاری مستقیم، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مضاربه، جعاله، مزارعه و مساقات.

## بخش دوم: تکالیف و مسئولیت های بانک

### بند اول: تکالیف بانک در ایجاد چک

با توجه به تعریف چک در ماده ۷۸۷ لایحه جدید قانون تجارت و ضرورت دخالت بانک در پروسه چک، و مواد ۷۸۸ و ۷۸۹ این قانون، و ماده ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲ پیش نویس لایحه جدید قانون تجارت ملاحظه می گردد، چک سندی است که توسط بانک تهیه و در اختیار مشتری قرار می گیرد. فلذا قانونگذار با ملزم داشتن بانک به انجام تکالیف معین در ایجاد و ارائه چک به اشخاص، نقش بانک را در زمینه ایجاد بستر سالم برای استفاده از چک و جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی، برجسته نموده و اجرای مقررات مزبور را برای برون رفت از مشکلات موجود چاره ساز دانسته است.

### بند دوم: افتتاح حساب

افتتاح حساب براساس قرارداد تنظیمی فی مابین مشتری و صاحب حساب صورت می گیرد. در عمل بانک از پیش تمام شرایط و آثار آن را معین نموده و متقاضی در تنظیم آن دخالت

چندانی ننموده است و به ناچار با امضای قرارداد، شرایط تحمیلی بانک را قبول می نماید هر چند که عیب رضا، مطابق ماده ۲۰ قانون مدنی، خللی به اعتبار قرار داد نمی رساند. تا به حال در خصوص افتتاح حساب جاری مقرراتی به صورت قانونی، تصویب نشده است و در قانون صدور چک نیز در مورد افتتاح حساب ضوابط خاصی ملاحظه نمی شود به جز این که در ماده ۲۱ قانون صدور چک برای صادرکنندگان چک بلامحل ممنوعیت افتتاح حساب پیش بینی شده است. مقنن با نگاهی به گذشته قانونگذاری، با عنایت به عدم توفیق قوانین مصوب در کاهش میزان صدور چک بلامحل، این بار قصد آن ننموده که با از بین بردن زمینه های سوء استفاده، از همان مراحل اولیه اقدام به پیشگیری نماید و برای این منظور، بانک را به هنگام افتتاح حساب، در احراز هویت، دارای تکلیف ساخته است. بانک در مراحل افتتاح حساب جاری معمولاً پس از احراز هویت و اخذ و بررسی مدارک مربوط از قبیل شناسنامه عکس دار، کارت ملی و سایر مدارک لازم و تکمیل کارت با فرم مربوطه، اقدام به انجام استعلام از بانک مرکزی در مورد سابقه بانکی متقاضی می نماید و... در ماده ۲۴۳ پیش نویس لایحه جدید قانون تجارت بیان داشته که «بانک مکلف است نسبت به صحت هویت صاحب حساب، صحت نشانی یا نشانی های صاحب حساب و شغل صاحب حساب دقت متعارف را اعمال کند در غیر این صورت ضامن خسارات وارد به دارنده چک خواهد بود» و در لایحه جدید قانون تجارت به بیان تمام شرایط افتتاح حساب نپرداخته است و صرفاً در ماده ۷۹۷ مقرر ننموده است: «بانک اعطاء کننده دسته چک باید هنگام افتتاح حساب، حسب مورد، هویت، نشانی کامل و کدپستی اشخاص حقیقی و هویت، سمت و حدود اختیارات و مدت مدیریت مدیران، مشخصات دارندگان حق امضاء، هویت نشانی کامل و کدپستی اشخاص حقوقی را ثبت و از صحت مشخصات اعلام شده اطمینان حاصل کند». به نظر می رسد در صدر ماده، عبارت اعطاءکننده دسته چک بعد از کلمه بانک زائد است و ممکن است افتتاح حساب، به علت وجود موانع قانونی، اعطاء دسته چک را به دنبال نداشته باشد. احتمالاً قصد مقنن از درج

عبارت مذکور، انصراف این تکلیف به حساب جاری باشد چرا که در این نوع حساب، چک به افتتاح کننده ارائه می شود. بنابراین در افتتاح انواع دیگر حساب، مثلاً قرض الحسنه، صرف اعلام مشخصات از ناحیه متقاضی برای ثبت و اقدام بعدی کفایت می نماید. بنابراین افتتاح حساب مقدمه اخذ دسته چک و صدور چک است. و منظور قانونگذار همان حساب جاری است که بانکها با افتتاح آن و اخذ سپرده های مردم، وجوه آنها را به موجب چکهای صادره به خود مشتری یا به اشخاص ثالث پرداخت می نماید و انواع دیگر حساب بانکی مدنظر نمی باشد هرچند که رعایت مفاد مقرر مزبور در افتتاح انواع دیگر حسابها خالی از فایده نیست. مواد مزبور اشاره ای به مدارک مورد نیاز و یا شرایط متقاضی ننموده است مثلاً آیا کسی که فاقد سواد خواندن و نوشتن است می تواند درخواست افتتاح حساب نماید؟

اخذ و درج مشخصات طرف قرارداد به هنگام افتتاح حساب و شروع همکاری، از امور بدیهی است لیکن کسی که فاقد حسن نیت است با ارائه اطلاعات نادرست می تواند عدم امکان دسترسی به خود را برای صاحبان حق فراهم نموده و از این رو زمینه ی لازم برای سوء استفاده و ایجاد مشکلات عدیده برای اشخاص و مراجع مربوطه را فراهم سازد. فلذا قانونگذار در مورد اشخاص حقیقی و حقوقی ضرورت ثبت اطلاعات خاصی را الزامی دانسته و صرف اعلام مشتری را کافی برای انجام تکلیف ندانسته و کسب اطمینان از صحت مشخصات اعلام شده را ضروری می داند فلذا بانک می بایست در انجام این تکلیف با انجام اقدامات لازمه از صحت مشخصات ارائه شده خصوص اطمینان نماید در غیراینصورت مرتکب ختاء گردیده و را رعایت قواعد عام مسئولیت محکوم به جبران خسارت قانونی زیاندار خواهد شد. همچنین انجام صحیح این تکلیف می تواند در کاهش سوء استفاده های احتمالی موثر واقع گردد. مقنن در مواد مورد بررسی تکلیف دیگری در افتتاح حساب بر عهده بانک مقرر نموده است لیکن این امر منافاتی با وجود و احراز شرایط لازمه دیگر ندارد چرا که قرارداد، توافق بر شرایط پیشنهادی طرفین است و بانک می تواند جهت رعایت پاره ای مصالح برای افتتاح حساب شرایط دیگری تعیین نماید به عنوان مثال بانک می تواند توانائی خواندن و نوشتن را از





جمله شرایط متقاضی قرار دهد. در ماده ۲۱ قانون صدور چک، در صورت وجود سابقه صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست، بانک از افتتاح حساب منع شده است و در ماده ۲۴۵ پیش نویس لایحه جدید مقرراتی وضع شده. ممکن است که گفته شود با تصویب قانون جدید و عدم اشاره به مقرره مورد اشاره در آن، قانونگذار توجهی به سابقه مشتری نداشته است لیکن با توجه به آیین نامه های پیش بینی شده در قانون جدید، مانند ماده ۷۹۶ لایحه جدید قانون تجارت در خصوص اعتبارسنجی و شرایط اعطای دسته چک می توان به وجود و ضرورت احراز این شرایط لازم، اظهار نظر کرد هر چند که در این فرض، قدرت تقنینی آیین نامه، در سلب حق افتتاح حساب از اشخاص، محل تامل است.

### بند سوم: شرایط اشخاص

یک ضلع مثلث چک، صادرکننده است و پرداخت چک، بیشتر به او وابسته است فلذا ایجاد محدودیت برای اشخاص فاقد صلاحیت و جلوگیری از اعطاء دسته چک به اشخاص مزبور، برای کاهش میزان صدور چک بلامحل لازم و ضروری است چرا که اکثر صادرکنندگان چک بلامحل از اشخاصی می باشند که با علم و اطلاع کامل نسبت به عواقب امر، با سوء نیت قبلی اقدام به صدور چک بلامحل می نمایند و شمار اشخاصی که چک را به قصد پرداخت وجه آن در تاریخ سررسید صادر می کنند ولی به دلایل دیگر امکان کارسازی مبلغ چک برای آنان فراهم نمی شود، درمقایسه با گروه اول، بسیار کم است. ماده ۲۰ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵، بانکها را مکلف نموده بود که کلیه حساب های جاری اشخاصی را که ظرف سه سال پیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا پنج سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز نمایند این ممنوعیت در اصلاحات ۱۳۷۳ تحت عنوان ماده ۲۱ به صورت ذیل تغییر یافت: «بانکها مکلفند کلیه حساب های جاری اشخاصی را که پیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری بازنمایند». بنابراین قانونگذار صرفاً به سابقه بانکی اشخاص توجه داشته و شرایط دیگری را

مد نظر قرار نداده است به فرض مثال می توان گفت، شخصی که دارای سوابق متعدد در زمینه جرایم مالی به غیر از صدور چک بلامحل باشد، می تواند دارای دسته چک شود. و در ماده ۲۴۵ پیش نویس هم مقرراتی در این خصوص وضع شده<sup>۱</sup>. لایحه قانون تجارت نیز مانند مقررات قبلی، شرایط خاصی برای اشخاص متقاضی دسته چک مقرر ننموده است و در ماده ۸۱۵ بانکها را از اعطای دسته چک به اشخاصی که حکم محکومیت قطعی به پرداخت وجه چک یا محکومیت قطعی به ارتکاب جرایم موضوع مواد ۸۲۰ و ۸۲۳ لایحه جدید قانون تجارت را دارند و این محکومیت در سوابق بانک مرکزی ثبت گردیده و دو سال از تاریخ قطعیت حکم سپری نشده باشد، منع کرده است ملاحظه می شود که لایحه جدید فاقد سخت گیری قبلی می باشد، چرا که قوانین فوق الاشعار صرف صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست را از موجبات بسته شدن کلیه حساب های جاری اشخاص مزبور و ایجاد محرومیت در افتتاح حساب جاری دیگر تا مدت معین دانسته است در حالی که در لایحه جدید صدور چک با شرایط مقرر ملاک عمل قرار گرفته و بانکها نیز صرفاً از اعطاء دسته چک ممنوع شده اند. به احتمال زیاد این چشم پوشی به آن جهت است که قانونگذار با پیش بینی لایحه جدید قانون تجارت و همچنین اجرای اعتبار سنجی صاحبان حساب بر اساس آیین نامه و موضوع ماده ۷۹۶ لایحه جدید قانون تجارت دیگر نیازی به تدوین مقررات دیگر در خصوص شرایط اشخاص احساس ننموده است.

منظور از محکومیت قطعی مقرر در ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت این است که حکم اصداری از طریق طرق عادی قابل اعتراض نباشد و ممکن است این حکم قطعی بدنبال واخواهی یا تجدید نظر خواهی صادر شده و یا اینکه به جهت انقضای مواعد قانونی اعتراض قطعیت یافته باشد لیکن به نظر می رسد چنانچه به موجب قانونی به حکم قطعی اعلام شده اعتراض شود و به دنبال آن حکم محکومیت نقض گردد این حکم نهایی ملاک عمل خواهد

بانک ها مکند کلیه حسا های جاری اشخاص را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده اند و تعقیب آنها منهی به محکومیت قطعی شده است. مسدود سازند و تا ۳ سال به نام آنان حساب جاری دیگری باز نکنند.<sup>۱</sup>



بود به عنوان مثال به رای غیابی- که به لحاظ انقضای فرجه و خواهی و تجدید نظر قطعی گردیده است- با ادعای عدم اطلاع از مفاد رای و خواهی به عمل آید و با پذیرش عذر تاخیر و انجام رسیدگی ماهوی حکم معترض عنه نقض شود!

واضح است که محکومیت قطعی کیفری مذکور در ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت تنها شامل صادرکننده می باشد ولی محکومیت قطعی به پرداخت وجه چک، علاوه بر صادرکننده شامل همه مسئولان سند، اعم از صادرکننده ظهرنویس و ضامن نیز می شود. تکلیف دیگری که بانکها باید در اعطای دسته چک رعایت نمایند توجه به سابقه بانکی متقاضی دسته چک است و مقنن صرف صدور گواهینامه عدم پرداخت را سوء سابقه بانکی دانسته و به موجب بند ۳ ماده ۸۱۱ لایحه جدید قانون تجارت بانکها را از اعطای دسته چک جدید به این اشخاص منع نموده است. شایان ذکر است که گواهی عدم پرداخت می تواند به علل مختلفی صادر گردد که در همه موارد صدور آن دلالت بر سوء نیت صاحب حساب ندارد به عنوان مثال ممکن است صادرکننده به علت سرقت رفتن چک در اجرای ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت به بانک دستور عدم پرداخت بدهد و بانک نیز در اجرای وظیفه خویش از پرداخت وجه چک خودداری و نسبت به صدور گواهی عدم پرداخت اقدام نماید که در این صورت صادرکننده مجبور است در اجرای بند ۵ ماده ۸۱۲ لایحه جدید قانون تجارت نسبت به اخذ دستور رفع سوء اثر از دادگاه اقدام نماید. همچنین در مواردی که گواهی عدم پرداخت به دلیل دستور عدم پرداخت دارنده چک در راستای ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت صادر شده باشد، این امر برای صاحب حساب سوء سابقه محسوب نمی شود (تبصره ماده ۸۱۲ لایحه جدید قانون تجارت). بنابراین صرف صدور گواهی عدم پرداخت، صاحب حساب را از داشتن دسته چک جدید تا پیش از رفع سوء اثر، به استثنای مورد تبصره ماده ۸۱۲ لایحه جدید قانون تجارت، محروم خواهد ساخت. از مقایسه مقررات لایحه مورد بررسی با مقررات قانون صدور



چک در خصوص عکس العمل بانکی مقابل چک بلامحل، نکاتی به شرح ذیل قابل توجه است:

۱- واکنش قانونگذار در قانون صدور چک بلامحل، بستن حساب و عدم افتتاح حساب جاری دیگر به مدت سه سال می باشد. (ماده ۲۱) ولی در لایحه مورد بحث، بانک تحت شرایط خاص ممنوع از اعطاء دسته چک متفاوت است. در واقع اشخاص مخاطره ساز تلقی نموده است و الزام بانک به مسترد گردانیدن دسته چک در ماده ۸۱۳ لایحه جدید قانون تجارت، حکایت از این برداشت دارد. و همچنین وفق بند ۳ ماده ۸۱۱ لایحه جدید قانون تجارت، بانکها در صورت صدور گواهی عدم پرداخت، ممنوع از اعطای دسته چک شده اند و به مسدود نمودن حساب یا عدم افتتاح حساب جدید اشاره ای نشده است.

۲- مجازات پیش بینی شده در ماده ۲۱ قانون صدور چک، منوط به صدور کیفرخواست شده است در حالی که ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت، اعمال ممنوعیت مربوطه از ناحیه بانک را منوط به صدور حکم محکومیت قطعی به پرداخت ثبت در سوابق بانک مرکزی نموده است، به نظر می رسد حکم مقرر در لایحه، با اصول حقوقی سازگاری بیشتری دارد زیرا محرومیت از داشتن دسته چک، مسدود کردن حساب جاری اشخاص یا عدم افتتاح حساب جاری دیگر برای اشخاص، نوعی مجازات تکمیلی و محرومیت از حقوق اجتماعی را بدنیال داشته باشد. زیرا ممکن است با اعتراض متهم، کیفرخواست صادره در دادگاه نقص و منتهی به صدور حکم برائت گردد. فلذا منوط نمودن ممنوعیت اعطای دسته چک به صدور حکم قطعی، حقوق شخص مزبور را در معرض تضییع قرار نخواهد داد.

۳- قلمرو شمول این دو، متفاوت بوده و قانون صدور چک، فقط ناظر به چک های بلامحل کیفری بوده ولی لایحه آنرا توسعه داده و چک های حقوقی را نیز مشمول حکم قرار داده است. این اقدام با توجه به حقوقی بودن بسیاری از چک های بلامحل، منطقی به نظر می رسد.



۴- قانون صدور چک محرومیت مورد نظر را فقط برای صادرکننده در نظر گرفته بود ولی لایحه آنرا تعمیم داده و شامل همه افرادی که حکم محکومیت قطعی آنها صادر شده باشد، نموده است زیرا عبارت کلیه اشخاص عام است و افاده عموم می کند و حال آنکه ماده ۲۱ قانون صدور چک فقط شامل صادرکننده می باشد...

۵- مدت محرومیت و زمان اعمال در این دو متفاوت است. قانون صدور چک این مدت را سه سال، و زمان اعمال آنرا از زمان صدور کیفرخواست مقرر نموده است (ماده ۲۱) در حالی که لایحه مورد بررسی، اعمال محرومیت را از تاریخ قطعیت حکم تا دو سال در نظر گرفته است. با توجه به مدت زمان لازم برای رسیدگی، صدور حکم و قطعیت آن، تاریخ قطعیت ملاک مناسبی برای جلوگیری از سوء استفاده نخواهد بود.

۶- ماده ۲۱ قانون صدور چک بلامحل را برای یک بار موجب محرومیت ندانسته و بیش از یک بار را ملاک عمل قرار داده است در حالی که در ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت تعداد چک مورد توجه نبوده و ملاک صدور حکم قطعی ثبت شده در سوابق بانک مرکزی است.

ضمانت اجرای عدم انجام تکلیف مقرر در ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت را قانونگذار متوجه مسئول شعبه بانک نموده و به شرح قسمت اخیر ماده مزبور برای خاطی اعلام مجازات کرده است که به نظر می رسد مسئولیت بانک نیز در فرض عدم انجام تکلیف مقرر مطابق قواعد عام مسئولیت به قوت خود باقی باشد.

به نظر می رسد، مقنن بین افتتاح حساب و اعطاء دسته چک ملازمه ننموده است چرا که در ماده ۷۹۷ لایحه جدید قانون تجارت بانک را در هنگام افتتاح حساب به احراز هویت مکلف نموده و برخلاف ماده ۲۱ قانون صدور چک، که از آن ضرورت انجام استعلام از بانک مرکزی در خصوص سابقه بانکی متقاضی به هنگام افتتاح حساب استنباط می شود، مقرر ای در لایحه جدید به چشم نمی خورد و از طرف دیگر ماده ۸۱۱ لایحه جدید قانون تجارت، که

در مقام بیان ممنوعیت ارائه خدماتی به صادرکنندگان چک بلامحل است، از ممنوعیت افتتاح حساب سخنی به میان نیاورده است و صرفاً اعطای دسته چک جدید از موارد ممنوعیت شناخته شده است و همچنین از ماده ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت، تکلیف بانک به انجام استعلام، در مرحله اعطاء دسته چک استنباط می گردد. بنابراین ممکن است برای شخصی افتتاح حساب شود بدون اینکه دسته چک به وی داده شود.

به احتمال، قانونگذار با استحضار از ضرورت استفاده برخی اشخاص از حساب جاری با پیشگیری از ایجاد مشکل، سوء سابقه بانکی را برای افتتاح حساب، مانع ندانسته است لیکن در عمل، اشخاص، حساب جاری را برای استفاده از چک افتتاح می نمایند و برداشت وجه از حساب جاری نیز از طریق چک صورت می پذیرد هر چند که قبل از اعطاء دسته چک، برداشت توسط صاحب حساب، با استفاده از برگه های خاص نیز امکان پذیر است.

تکلیف دیگر بانکها در مورد شرایط، بموجب ماده ۸۱۶ لایحه جدید قانون تجارت این است که بانکها نمی توانند به اشخاصی که مشمول ممنوعیتهای مندرج در مواد ۸۱۱ و ۸۱۵ لایحه جدید قانون تجارت شده اند بعنوان مدیر یا نماینده اشخاص حقوقی یا حقیقی، خدمات موضوع مواد مذکور، از جمله اعطاء دسته چک را ارائه بنمایند.

در ماده ۸۳۵ لایحه جدید قانون تجارت تحویل دسته چک به دارندگان حسابهای جاری قبلی نیز منوط به احراز شرایط مقرر در قانون جدید شده است و می توان گفت که قانونگذار در اجرای قسمت اخیر ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون را نسبت به ما قبل آن نیز موثر دانسته است<sup>۱</sup>.

### بخش سوم: تکالیف بانکها پس از صادر شدن چک

مجموعه ای دیگر از تکالیف بانکها پس از صدور چک عملی می گردد با این توضیح که با ارائه چک به بانک توسط دارنده بانک با رعایت مقررات مربوطه - که ذیلاً به آنها اشاره

<sup>۱</sup> - ماده ۱۹۵ آیین دادرسی مدنی



خواهد شد- حسب مورد نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از وجه و صدور گواهی عدم پرداخت نسبت به بقیه مبلغ و یا صرفاً صدور گواهی عدم پرداخت اقدام خواهد نمود. یکی از تکالیف بانک احراز هویت ارائه دهنده چک به بانک می باشد که بموجب ماده ۷۹۴ لایحه جدید قانون تجارت عمل به آن در حدود عرف بانکداری کفایت می نماید و ضرورتی به حصول اطمینان از صحت مشخصات اعلام شده نیست چرا که در این صورت تکلیف مالایطاق خواهد بود و در عمل بانکها ملاحظه کارت ملی را کافی برای احراز هویت قلمداد می نمایند و نشانی و نیز شماره تماس اعلام شده توسط مراجعه کننده را صحیح تلقی می نمایند فی الواقع اطلاعات مندرج در کارت ملی برای احراز هویت- که مورد نظر قانونگذار می باشد- کافی می باشد.

تکلیف دیگر این است که بانک باید نظارت نماید تا دارنده هویت خود را در ظهر چک درج و نسبت به امضاء آن اقدام نماید. به نظر می رسد این تکلیف هنگامی لازم الرعایه است که دارنده درصدد دریافت وجه چک باشد و الا صرف درخواست اطلاع از وضعیت چک و یا میزان موجودی آن نیازمند درج هویت در ظهر چک و امضای آن نباشد و صرف احراز هویت برای پاسخ گویی کفایت می نماید که این بیان از متن ماده فوق الاشعار نیز قابل استنباط است. ارائه دهنده چک به بانک الزاماً دارنده آن نمی تواند محسوب شود و ممکن است شخص مزبور به نمایندگی از ناحیه دارنده اقدام نموده باشد و یا ارائه کننده چک آن را در اثر ارتکاب جرم تحصیل نموده و مالک قانونی چک نباشد و یا فرض قانونی مقرر در ماده ۸۰۰ لایحه جدید قانون تجارت که در صورت درج شماره گیرنده وجه در چک و دستور واریز وجه به آن شماره حساب، صرفاً صاحب حساب مذکور دارنده چک با ارائه دهنده قابل پرداخت نبوده و فقط قابل واریز به آن حساب خواهد بود. در صورتی که چک به نمایندگی جهت وصول ارائه شود و دارنده بخواهد حق شکایت کیفری او در صورت عدم پرداخت محفوظ بماند باید هویت و نشانی خود را با تصریح به نمایندگی ارائه دهنده در ظهر چک قید نماید بنابراین در چنین حالتی گواهی عدم پرداخت به نام دارنده واقعی صادر خواهد شد. (ماده

۸۳۰ دلایحه جدید قانون تجارت) که این امر در واقع ظهنویسی برای وصول است که در ماده ۷۲۴ لایحه جدید قانون تجارت در بحث برات به آن تصریح شده است.

### **بند اول: رعایت سقف مبلغ**

تکلیف دیگر بانک در هنگام ارائه چک، نظارت بر رعایت سقف مبلغ قابل پرداخت است همانطوریکه قبلاً اشاره شد بر گه های چک بایستی بموجب ماده ۷۹۵ قانون جدید تجارت دارای سقف مبلغ قابل پرداخت مندرج بر روی آن باشد و چنانچه سقف مبلغ از ناحیه صادرکننده رعایت نشود و مبلغ درج شده در چک بیشتر از سقف مبلغ قابل پرداخت باشد بانک فقط به میزان سقف مندرج در چک وجه آنرا پرداخت خواهد نمود (قسمت اخیر ماده ۷۹۵ لایحه جدید قانون تجارت) در این که آیا نسبت به مابقی مبلغ پرداخت نشده چک بانک بایستی گواهی نامه عدم پرداخت صادر کند یا خیر، قانون ساکت است. به نظر می رسد که چک مزبور به صورتی تنظیم گردیده که بانک نمی تواند وجه آنرا بطور کامل پرداخت برای بانکها لازم الرعایه ندانسته و بانکها به شرط مزبور ترتیب اثر نخواهد داد اینکه این برخورد با شرط مندرج در چک اختیار است یا تکلیف، قانون ساکت است به نظر می رسد که بانک نباید به شرط مزبور توجهی نماید.

### **بند دوم: عدم توجه به شرط**

علی الاصول چک دستور پرداخت بدون قید و شرط می باشد و درج هر گونه قید و شرطی برای پرداخت، آن را از فلسفه وجودی چک دور نموده و در پرداخت نیز مشکلات عملی فراوانی برای بانکها می تواند ایجاد نماید از این رو ماده ۷۹۹ لایحه جدید قانون تجارت به مانند ماده ۳ قانون صدور چک، درج هر گونه شرطی را برای پرداخت برای بانکها لازم الرعایه ندانسته و بانکها به شرط مزبور ترتیب اثر نخواهد داد اینکه این برخورد با شرط مندرج در چک اختیار است یا تکلیف، قانون ساکت است به نظر می رسد که بانک نباید به شرط مزبور توجهی نماید.



## بند سوم: واریز وجه به حساب معین

از نوآوری های لایحه جدید قانون تجارت می توان به مقرر ماده ۸۰۰ اشاره نمود که مقرر می دارد: «در صورت درج شماره حساب گیرنده وجه در چک به هنگام صدور یا ظهرنویسی و درج و درج عبارت صریحی حاکی از واریز وجه به آن شماره حساب فقط صاحب حساب مذکور، دارنده آن محسوب می شود و مبلغ چک فقط قابل واریز به آن حساب است». در بیان حقوقدانان از چک مزبور به عنوان چک بسته یاد می شود<sup>۱</sup> و هدف از ایجاد آن جلوگیری از سوء استفاده های احتمالی از جمله در صورت مفقود شدن می باشد. مبلغ این نوع چک فقط قابل واریز به شماره حساب درج شده در آن خواهد بود با توجه به متن قانون مزبور می توان گفت که درج شماره حساب گیرنده وجه و درج عبارت صریح مبنی بر واریز وجه به آن شماره حساب در چک توسط صادرکننده و ظهرنویس هر دو امکانپذیر می باشد. به نظر می رسد چنین چکی قابلیت نقل و انتقال از طریق ظهرنویسی را از دست می دهد ولی برخی اساتید حقوق معتقد به قابلیت ظهرنویسی آن به مانند چک عادی هستند<sup>۲</sup>. با توجه به صراحت متن فوق مبنی بر اینکه قانونگذار فقط صاحب حساب مذکور را دارنده تلقی نموده و چک را فقط قابل واریز به حساب وی می داند دیگر نمی توان از نظر مزبور حمایت نمود. از این بیان لایحه می توان استفاده کرد که قابلیت نقل و انتقال چک از ویژگی های ذاتی آن نمی باشد. زیرا ذاتی شیئی از خود شیئی جدا نمی شود.

**بند چهارم: عدم پرداخت وجه چکی که مبلغ آن به دستور قضایی توقیف شده است**

اصولاً بانکها بایستی با تقاضای دارنده چک، در صورت فقدان موانع قانونی وجه چک را در تاریخ مندرج در سند یا پس از ان بردازند با این وجود بانکها در دو حالت از پرداخت وجه

۱- کورش، کاویانی، حقوق تجارت (۳) همان، ص ۲۳

۱- حسن، ستوده تهرانی، حقوق تجارت، همان، ص ۱۱۱

چک با وجود فقدان موانع قانونی در خصوص شرایط چک و شخص ارائه دهنده آن از پرداخت وجه چک منع شده اند. (مورد ۸۰ و ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت)

الف- توقیف شدن وجه چک به موجب حکم قضائی: ماده ۸۰۱ لایحه جدید قانون تجارت مقرر نموده است که هرگاه مبلغ چک به موجب حکم قضائی نزد بانک توقیف شود بانک نباید وجه آنرا پردازد و در صورت پرداخت مسئول است. در این ماده عبارت حکم قضائی استعمال شده است که به نظر می رسد اصطلاح مناسبی نبوده و بهتر آن بود که دستور قضائی بکار برده می شد چرا که حکم در اصطلاح حقوقی، رای است که بموجب آن، اختلاف در دادگاه فصل می شود و به موجب ماده ۲۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن بطور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می شود.<sup>۱</sup> با وصف مذکور هدف قانونگذار تصمیم به کیفیت مزبور نبوده بلکه جلوگیری از پرداخت تا اتخاذ تصمیم به موجب حکم بوده است و اصولاً ضرورت این اقدام در مراحل اولیه شکایت کیفری یا دعوی حقوقی، مانند صدور قرار تامین خواسته احساس می شود که تا صدور حکم فاصله زمانی دارد و همچنین پرداخت وجه چک یا رفع اثر از دستور صادره نیازمند تصمیم ثانوی مقام قضائی می باشد. پرداخت وجهی که در راستای اجرا قرار تامین خواسته توقیف شده است نیز در قبال ارائه چک ممنوع است چرا که اجرای دستور مقام قضائی مقدم است و عدم اجرای آن، مطابق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی می گردد.

ب- صدور دستور عدم پرداخت از ناحیه صادرکننده یا دارنده چک: این مورد در ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت آمده است و تحت شرایط خاص این ماده، بانک با وجود شرایط دیگر پرداخت، ملکف به عدم پرداخت وجه چک است که نظر به اهمیت موضوع تحت عنوان مستقلی در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



## بند پنجم: عدم پرداخت وجه چک به صادرکننده یا دارنده

تحت شرایط خاصی همانند قانون فعلی، در ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت برای صادرکننده یا دارنده چک امکان صدور دستور عدم پرداخت پیش بینی گردیده و بانک در صورت دستور کتبی عدم پرداخت از جانب صادرکننده یا دارنده و احراز هویت دستور دهنده مکلف به عدم پرداخت وجه چک بوده و در صورت ارائه چک گواهی عدم پرداخت صادر خواهد نمود این مدت استنکاف از پرداخت یک هفته بوده و در صورت تقدیم گواهی شکایت از ناحیه دستور دهنده این امر تداوم خواهد یافت لیکن برخلاف دستور قضایی بر توقیف وجه، این عدم پرداخت با درخواست ثانوی دستور دهنده یا دستور مقام قضایی قابل رفع اثر خواهد بود. در صورت عدم تقدیم گواهی شکایت و انقضای یک هفته از تاریخ دستور عدم پرداخت، بانک مکلف به پرداخت وجه چک از محل موجودی حساب به دارنده چک است. در قانون صدور چک به جای دارنده کلمه ذی نفع استعمال شده است و ذی نفع نیز در تبصره (ماده ۱۴ قانون مزبور چنین تعریف شده است: «ذینفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد» این تغییر لایحه جدید قابل توجه به نظر نمی رسد چرا که دستور دهنده چکی در اختیار ندارد و آن را مفقود کرده یا بواسطه جرمی از دست داده است فلذا کاربرد کلمه ذی نفع به جای دارنده مناسب تر به نظر می رسد علاوه بر اینکه دارنده نیز در قانون صدور چک در مورد تعریف واقع شده بود که با استعمال جدید سازگاری ندارد. در لایحه مبحث عنه، برخلاف تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون صدور چک، برای بانک تکلیفی در خصوص نگهداری وجه چک در حساب مسدود، ملاحظه نمی گردد. بنابراین وجه چک مزبور با ارائه چک دیگر قابل پرداخت خواهد بود. این برداشت با اعتقاد به انتقال محل وجه چک به دارنده به محض صدور چک و تسلیم آن منافات دارد. همچنین فقدان تکلیف به نگهداری وجه چک برای بانک راه را برای سوء استفاده برخی اشخاص باز می کند و صادرکننده چک یا هر ذینفعی می تواند با صدور دستور عدم پرداخت ولو با ادعای واهی مفقودی یا ارتکاب جرم محل چک را با صدور چکهای

دیگر از بانک خارج نماید و به این صورت دارنده واقعی را از حقوق خود محروم نماید. در ماده ۷۹۹ لایحه جدید قانون تجارت، صادر کننده ممنوع از صدور دستور عدم پرداخت شده است از طرف دیگر، در موارد ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت وی مجاز به صدور دستور عدم پرداخت است. بانک به غیر از موارد اعلامی در ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت مجاز به تبعیت از دستور صادر کننده نمی باشد مثلاً صادر کننده نمی تواند با ادعای وجود اختلاف حساب درخواست عدم پرداخت نماید فلذا ذکر ممنوعیت صدور دستور عدم پرداخت در ماده ۷۹۹ لایحه جدید قانون تجارت ضرورتی ندارد چرا بانک مکلف به تبعیت از آن نمی باشد. مطلب دیگر شایان ذکر این است که در ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت برخلاف ماده ۱۴ قانون صدور چک عبارت قائم مقام استعمال نشده است و عدم ذکر آن نیز اشکالی ایجاد نمی نماید زیرا قائم مقام به موجب قانون دارای حقوق و تکالیف شخص دارنده و یا صادر کننده چک می گردد مثلاً ورثه یا وکیل صادر کننده چک توانایی صدور دستور عدم پرداخت را دارا می باشد.

### **بند ششم: پرداخت ده درصد وجه چک به دارنده**

ماده ۸۱۴ لایحه جدید قانون تجارت از نوآوری های لایحه در زمینه حمایت از دارنده چک بلامحل است و قانونگذار بانک را مکلف به پرداخت مابه التفاوت خواهد بود. به نظر می رسد منظور از مابه التفاوت، تامین کسری مبلغ ده درصد وجه چک است. این مقرر قانونی می تواند ضمانت اجرایی برای ضرورت اعمال دقت بانکها در انجام وظایف محوله باشد. چنانچه مبلغ مندرج در چک بیشتر از سقف قابل پرداخت باشد بر اساس قسمت اخیر ماده ۷۹۵ لایحه جدید قانون تجارت بانک مجاز به پرداخت مازاد سقف نخواهد بود و فقط تا میزان سقف مندرج در سند مکلف به پرداخت است و اینکه آیا چک مزبور تحویل بانک خواهد شد یا نه و همچنین بانک مکلف به صدور گواهی عدم پرداخت است یا خیر قانون ساکت است ولی با توجه به اینکه صادر کننده، چک را به صورتی تنظیم کرده است که بانک از پرداخت وجه آن خودداری می نماید می توان گفت که موضوع مصداق ماده ۷۹۹ لایحه جدید قانون



تجارت بوده و بر اساس ماده ۸۰۲ این لایحه و اجرای تبصره آن بانک مکلف به صدور گواهی نامه عدم پرداخت است. در مورد اینکه چنین بانکی قابل شکایت کیفری است یا خیر با توجه به استدلال به عمل آمده در چک موخر به تاریخ اعتبار باید معتقد به فقدان وصف کیفری چنین چکی بود. این تکلیف فاقد سابقه ای در سیستم بانکی است و مشکلات عدیده ای برای بانکها به دنبال خواهد داشت چرا که محل پرداخت این مبلغ و همچنین ماهیت آن روشن نیست. آیا بانکها به حساب خود پرداخت خواهند نمود و یا به حساب صادر کننده؟ و در صورت پرداخت از حساب خود حق رجوع برای بانک وجود دارد؟ و از طرف دیگر این پیش بینی، مشکل دارنده را بطور کامل، مرتفع نخواهد نمود و او به ناچار بایستی جهت احقاق حق خویش به مراجع قضایی مراجعه نماید و بانکها نیز در صورت فقد پیش بینی های خاص جهت وصول پرداختی خود، از مراجعه کنندگان مراجع قضایی خواهند بود که این امر بر آمار پرونده های چک خواهد افزود. در صورتی که بانکها از مشتریان خود وثیقه یا سند رسمی گرفته باشند استیفای حقوق بانک از مجاری مزبور نیز مشکل ساز خواهد شد. بانک در اجرای این تکلیف، مبلغ چک و سقف مبلغ آن را معیار قرار خواهد داد. به عبارت مبلغ پرداختی نمی تواند از ده درصد وجه چک و نیز سقف آن فراتر رود و در صورت کسر موجودی، پرداخت مابقی تا تکمیل ده درصد برعهده بانک است. به نظر می رسد در صورت وجود علل دیگر برای عدم پرداخت در کنار فقدان یا کسر موجودی، بانک دیگر تکلیفی برای پرداخت ده درصد وجه چک نداشته باشد. به عنوان مثال چنانچه تاریخ سررسید چک موخر بر تاریخ اعتبار چک باشد، بانک صرفاً به صدور گواهی عدم پرداخت اقدام خواهد کرد. آیا با وجود تکلیف بانک به پرداخت ده درصد، دارنده نیز مکلف به اخذ مبلغ مزبور است؟ مطابق ماده ۲۷۷ قانون مدنی، متعهد نیم تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید از طرف دیگر، حقوق دان ها از ماده ۲۶۸ قانون تجارت، تکلیف به قبول قسمت پرداخت شده را استنباط می نمایند<sup>۱</sup>. و استدلال شده است که پرداخت قسمتی از وجه،

۱- حسن، ستوده تهرانی، حقوق تجارت، همان، ص ۷۱. ناصر کاتوزان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ سوم، نشر

میزان، تهران، ۱۳۷۸- ص ۲۴۶



موجب کاهش تعهد سایر مسئولین سند می گردد و ذی نفع آنها ضرورت قبول را ایجاب می نماید و از طرف دیگر استفاده از وجوه دریافتی برای دارنده سند امکانپذیر می گردد.<sup>۱</sup> به نظر می رسد که دارنده چک الزامی به پذیرش ده درصد از وجه چک ندارد و در وضعیتی مشابه این حالت، تقاضای دارنده شرط پرداخت قرار داده شده است (تبصره ۱ ماده ۸۰۲ لایحه جدید قانون تجارت) از سوی دیگر دارنده با دریافت مبلغ مزبور، لاشه چک را از دست خواهد داد و در مراجعه به سایر مسئولین چک دچار مشکلات عملی خواهد شد هر چند که قانونگذار گواهی نامه عدم پرداخت را جانشین اصل چک می داند. ماهیت پرداخت این وجه نیز بحث برانگیز است و ممکن است گفته شود که پرداخت این مبلغ، مجازات بانک به جهت تقصیر در اعتبار سنجی و اعطای دسته چک است و با این نگرش بانک حق مراجعه به صاحب حساب را نخواهد داشت. اما این برداشت منطقی به نظر می رسد زیرا ممکن است بانک در تشخیص اعتبار مشتری تقصیری ننموده باشد بلکه نوسانات اقتصادی یا دلایل دیگر خارج از اختیار مشتری، موجبات عدم پرداخت را فراهم نموده باشد و از سوی دیگر پرداخت قسمتی از دین شخصی که مرتکب صدور چک بلامحل شده است، ترغیب چنین اشخاصی برای صدور چک بلامحل است. البته الزام بانک به پرداخت ده درصد چک، به نوعی مجازات غیرمستقیم، که ناشی از عملکرد بانک بوده، می تواند به حساب آید و این اقدام بانکها را در اعمال دقت کافی، در انتخاب مشتری و انجام وظایف محوله، حساس خواهد نمود. در هر حال کیفیت اجرای این ماده و آثار آن دارای ابهامات فراوانی است و ماهیت روابط بانک و صاحب حساب فعلاً در ابهام قرارداد و در صورت فقدان چنین مجوزی از طرف صاحب حساب، پرداخت بانک، مصداق ایفاء بدون اذن دین از جانب غیر بوده و بانک حق رجوع به صاحب حساب را نخواهد داشت. (ماده ۲۶۷ قانون مدنی) مکن است گفته شود که اذن قانونگذار کافی برای رجوع است.



## بند هفتم: صدور گواهینامه عدم پرداخت

در صورت وجود موانع قانونی در پرداخت وجه چک بانک مکلف به صدور گواهینامه عدم پرداخت خواهد بود که این گواهی مستند لازم برای طرح دعوی اعم از حقوقی یا کیفری و یا اقدام از طرق اجرای ثبت است. در ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت صدور گواهی نامه عدم پرداخت موکول به عدم امکان پرداخت وجه چک به یکی از علل مندرج در ماده ۷۹۹ لایحه جدید قانون تجارت شده است در مواد بعدی نیز به موجبات دیگری از صدور گواهی نامه عدم پرداخت اشاره شده است (تبصره ۱ ماده ۸۰۲ و ماده ۸۰۷ لایحه جدید قانون تجارت).

علل و موجبات صدور گواهی نامه عدم پرداخت چک بطور فهرست وار عبارتند از:

- ۱- فقدان یا کسر موجودی ۲- دستور عدم پرداخت ۳- تنظیم چک بطور غیر قابل پرداخت
- ۴- صدور چک از حساب مسدود ۵- بستن حساب پس از صدور چک

البته قانونگذار موارد اشاره در ماده اخیر را بطور تمثیلی بیان نموده و با بکاربردن عبارت ... نباید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل ... از پرداخت وجه سند خودداری کند اختیار بانکها در صدور گواهی نامه عدم پرداخت را گسترده نموده است به نظر می رسد چک فاقد اعتبار یا چک مازاد بر سقف تعیین شده از مصادیق عبارت مذکور باشد. مثلاً بانک می تواند در صورتی که تاریخ مندرج در چک پس از پایان مدت اعتبار چک باشد نسبت به صدور گواهی عدم پرداخت اقدام نماید البته در قانون صدور چک نیز این وسعت اختیار وجود دارد.

عبارت اصلاح مندرجات که در ماده مزبور از موجبات عدم پرداخت ذکر شده است محل تامل و در اسلاف این ماده مشاهده نمی شود چرا که احتمال اشتباه در تحریر و تنظیم چک وجود داشته و صادر کننده با اصلاح مندرجات مزبور و امضای ذیل آن در ظهر سند، چک را به جریان می اندازد و یا پس از صدور با توافق دارنده نسبت به تغییر سررسید آن اقدام می نماید که این موارد شایع می باشد بنابراین اعطاء اختیار به بانک جهت عدم پرداخت مغایر

حقوق صادرکننده و دارنده بوده و برخلاف توافق فی مابین و صاحب حساب است و فی مواقع توافق صادرکننده و دارنده در حکم قانون تقنینی طرفین آن بوده و در صورت عدم مغایرت با قوانین امری لازم الرعایه است با این وجود می توان گفت اصلاحاتی که فاقد امضای مربوطه باشد می تواند از موجبات عدم پرداخت تلقی شود. در مورد مسدود نمودن حساب نیز که از علل صدور گواهی نامه پرداخت محسوب شده- می توان گفت که مقنن می توانست صاحب و بانک را مکلف نماید که در هنگام درخواست مسدود نمودن حساب، صاحب حساب برگه های چک های تحویل شده را که به بانک ارائه نشده اند را به بانک ارائه نماید. بدین صورت از سوء استفاده احتمالی جلوگیری می شد. مندرجات گواهی نامه عدم پرداخت و شرایط شکلی آن در ماده ۸۰۲ لایحه جدید قانون تجارت آمده است. خودداری از صدور یا صدور ناقص گواهی نامه عدم پرداخت بانک را در مقابل خسارات ناشی از این اقدام ضامن خواهد ساخت (ماده ۸۰۳ لایحه جدید قانون تجارت) که با توجه به قواعد مربوطه احراز ارکان متشکله موجبات مطالبه خسارت (فعل زیانبار - رابطه سببیت- ورود ضرر) بایستی از ناحیه مدعی اثبات گردد تا خسارت ادعایی قابل مطالبه شود.

### **بند هشتم: درخواست استرداد دسته چک**

در لایحه مورد بررسی، عدم امکان پرداخت چک ارائه شده به بانک، به جهت فقدان یا کسر موجودی، از موجب سلب اعتماد به صاحب حساب محسوب گردیده و قانونگذار برای جلوگیری از تکرار احتمالی صدور چک بلامحل، به موجبات ورود خسارت بیشتر بر بانکها و دارندگان را فراهم خواهد ساخت بانک محال علیه را مکلف نوده است تا به فوریت به صادرکننده اخطار کند تمام دسته چک های تسلیمی را اعم از اینکه از ناحیه بانک محال علیه و یا بانکهای دیگر صادر شده باشد مسترد کند. ماده ۸۱۳ لایحه جدید قانون تجارت) البته این اقدام به نوعی حالت بازدارندگی نیز خواهد داشت زیرا صاحب حساب برای مواجه نشدن با این اقدام بانک و از دست ندادن دسته چک، به قدر امکان از برگشت شدن چک جلوگیری خواهد نمود. تکلیف بانک در حد اخطار پیش بینی شده است و در اینکه بانک در صورت



عدم استرداد، ملزم به اقدام دیگری است یا خیر، لایحه ساکت است و اینکه تکلیف چکهای صادره پس از اخطار چیست؟ موضوع بلا تکلیف است. بانک فقط در دو حالت فقدان یا کسر موجودی مکلف به اقدام مذکور می باشد و در سایر موارد صدور گواهی عدم پرداخت بانک حق درخواست استرداد دسته چک را ندارد.

### بند نهم: اطلاع رسانی

اصولاً صاحب حساب بایستی از امور مربوط به حساب خویش آگاه گردد زیرا ممکن است از وضعیت پیش آمده مطلع نباشد و در صورت اطلاع بخواهد از تبعات آتی پیش گیری نماید فلذا قانونگذار در ماده ۸۰۴ لایحه جدید قانون تجارت مقرر نموده است که در صورت صدور گواهینامه عدم پرداخت، بانک باید تصویر یا رونوشت گواهینامه را به هزینه دارنده برای صاحب حساب ارسال کند و الا ضامن خسارات ناشی از عدم ارسال اطلاعیه به صاحب حساب خواهد بود. مفاد این ماده در قسمت اخیر ماده ۴ قانون صدور چک نیز آمده است ولی در عمل بانکها عامل به تکلیف مذکور نمی باشند. تکلیف دیگر در خصوص اطلاع رسانی، در ماده ۸۰۶ لایحه جدید قانون تجارت آمده است و آن را ارسال و اخو است چک به هزینه دارنده برای صاحب حساب است و عدم اقدام به انجام این تکلیف ضامن آور تلقی شده است. اطلاع رسانی در خصوص چکهای برگشتی به بانک مرکزی از جمله تکالیف بانک هاست که در ماده ۸۱۸ لایحه جدید قانون تجارت آمده است و مهلت انجام آن نیز تا ۲۴ ساعت پس از صدور گواهینامه عدم پرداخت است و تعلل در انجام این امر می تواند علاوه بر اینکه تخلف محسوب می شود، موجبات ورود خسارات مالی به بانک را فراهم نماید.

### نتیجه گیری

در جمع بندی پایانی لازم به ذکر است هر برگ از چک که از دسته چک جدا می شود به طور خودکار و بدون تسلط دارنده، شماره می خورد تا «تک» و «منحصر به فرد» بودن برگ چک تضمین شود. به علاوه اطلاعات مربوط به هر برگ چک بدون دخالت دارنده دسته

چک، در کارنمای چک ثبت می شود تا در مواقع اختلاف مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت حافظه ای برای یادداشت اطلاعات وجود دارد تا صادرکننده ی چک به دلخواه خود آنها را ثبت نماید (ته چک). به تازگی کاغذهای الکترونیکی با قابلیت های زیاد اختراع شده است که علاوه بر نقل و انتقال ساده، می توان حجم وسیعی از اطلاعات را روی آن ذخیره کرد. خصوصیت دیگر کاغذی الکترونیکی امکان اتصال از راه دور به سرورهای اطلاعاتی است که می تواند سند تجاری الکترونیکی همچون اسناد کاغذی از انعطاف و در عین حال از ایمنی بیشتر برخوردار باشد. همچنین لازم به ذکر است دسته چک الکترونیکی در قالب یک کارت هوشمند ضد جعل قرار دارد و توسط گذرواژه فعال می شود. صادرکننده و دارنده چک الکترونیکی عملیات متعددی برای نوشتن چک، امضا آن، تطبیق صحت امضا، ظهورنویسی و واریز به حساب انجام می دهند. آنها وارد فضای شبکه می شوند و حتی ممکن است عملیات ضمیمه سازی صورتحساب ها و حواله ها و ... را به طور خودکار تنظیم کرده که صدور چک به عنوان بخش پایانی این عملیات محسوب شود. طراحی این سیستم ها بستگی به نوع خدمات، شبکه و استعداد خودکارسازی عملیات و به طور خلاصه زیرساختهای فنی موجود در کشور دارد. در فضای الکترونیکی که نوشته ها تجسم بیرونی و مادی ندارند و تبادل اطلاعات در محیطی مجازی صورت می گیرد، تجدید نظر در مفهوم امضاء نیز ضرورت خواهد داشت. در این مفهوم یک رمز، پیام یا هر روش غیر مادی می تواند در شرایطی دارای ارزش اثباتی امضاء به مفهوم سنتی آن باشد. امضای الکترونیکی به مفهوم عام کلمه عبارتست از یک رمز مستقل و محرمانه که به وسیله آن تعیین هویت فرستنده و الحاق او به سندی که محتوای داده را تشکیل می دهد، ممکن می شود. و همچنین عبارت از داده ای است که به قصد التزام به مفاد یک داده پیام به آن ملحق یا منطقیاً به آن منضم شده است و موجبات شناسایی شخص و رضایت وی به مفاد داده پیام را فراهم می آورد و بنا براین از اعتبار حقوقی برخوردار است. همچنین باید توجه داشت انتقال اسناد کاغذی در شیوه سنتی خود با ظهورنویسی و با قبض و اقباض صورت می گیرد. بدین جهت برای انتقال یک سند، انتقال دهنده باید ابتدا قبض و تصرف خود را مسجل نماید و بر این اساس، اسنادی قابل نقل و انتقال می باشند که قابلیت قبض را





داشته باشند. در مورد اسناد الکترونیکی نیز قبض صدق می کند، ولی نه الزاماً به همان معنایی که در اسناد کاغذی وجود دارد. در اسناد الکترونیکی قبض به معنای کنترل انحصاری دارنده بر یک سند الکترونیکی است. امکان کنترل، عملکردی مشابه با مفهوم قبض در اسناد کاغذی ایفا می کند و بنابراین کسی که یک سند الکترونیکی را در اختیار دارد و می تواند به صورت انحصاری بر آن کنترل اعمال نماید، متصرف آن سند محسوب می شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و ماخذ

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۴
- ۲- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت تطبیقی، انتشارات مجد، چ اول، تهران، ۱۳۷۳
- ۳- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، ( برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک) چاپ هشتم، انتشارات سمت، ناپستان ۱۳۸۳
- ۴- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، حقوق بازرگانی، ج سوم، تهران ۱۳۴۶، ص ۲۶۵ و حسینقلی، کاتبی حقوق تجارت، ج دوم، انتشارات کتاب فرزاد، ۱۳۶۴.
- ۵- بهرامی، بهرام، حقوق تجارت کاربردی، تهران، انتشارات نگاه بینه، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۶- ثابت سعدی ارسلان، حقوق بازرگانی، دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۶۸.
- ۷- حسنی، حسن، حقوق تجارت، انتشارات نشر میزان، ج ۳، تهران ۱۳۷۸
- ۸- خاوری، محمدرضا، حقوق بانکی، ناشر مؤسسه عالی بانکداری ایران، چاپ چهارم، ۱۳۷۱
- ۹- زینالی، توحید و اکبر، سبحانی، حاشیه ای نوین بر قانون صدور چک، چاپ دوم، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱،
- ۱۰- دمیرچیلی، محمد و علی، حاتمی و محسن، قرائتی و... قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میثاق عدالت، چ ۴. ۱۳۸۴
- ۱۱- رسایی نیا، کلیات حقوق بازرگانی. انتشارات ویستار، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.





- ۱۲- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۰
- ۱۳- شمس، عبدالله، آیین داوری مدنی دوره پیشرفته، ج ۲، چ ۱۷، انتشارات دراک، تهران ۱۳۸۷
- ۱۴- صادقی، میرمحمدحسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ هشتم، نشر میزان، ۱۳۸۰،
- ۱۵- عبادی، محمد علی، حقوق تجارت، تهران، انتشارات چهر، چاپ چهارم، ۱۳۷۲
- ۱۶- عرفانی، محمود، حقوق تجارت (اسناد تجاری)، جلد سوم، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۱۷- عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد اول، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ هشتم، ۱۳۷۵،
- ۱۸- عمید، حسن، فرهنگ عمید، عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶،
- ۱۹- فخاری، امیر حسین، تقریرات درس حقوق تجارت ۳، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴
- ۲۰- قائم مقام فراهانی، محمد حسین، بررسی مسایل کیفری و حقوقی چک، چ. اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۸
- ۲۱- کاتبی، حسینقلی، حقوق تجارت، جلد ۲، انتشارات کتاب فرزاد، ۱۳۶۴.
- ۲۲- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، عقود ادنی، وثیقه های دین، انتشارات بهنشر، ج اول، ۱۳۶۴
- ۲۳- کاتوزیان ناصر، حقوق مدنی «عقود ادنی - وثیقه های دین» انتشارات بهنشر، ۱۳۶۴

۲۴- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج اول، چ سوم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۴،

۲۵- کامیار، غلامرضا، مجموعه محشای قابل صدور چک (علمی، تطبیقی، کاربردی)، انتشارات مجد، چ. ۲، تهران، ۱۳۸۵

۲۶- کیانی، افشین و محمود ظهوریان و فاطمه حمیدی و زهرا سلطانی و فرزانه نقدی و شیوا متقی و فریا نصیری مفخم، کمیته تحقیقاتی گروه کاربران ارانی سوئیفت، سیستم تسویه ناخالص آنی (RTGS) جلد اول، مفاهیم و شناخت سیستم، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شهریور ۱۳۸۲

۲۷- یعقوبی، عبداله‌اشم، نحوه ی رسیدگی به جرایم چک و دعاوی چک و سفته در دادگستری و اجرای ثبت، چ. ۳، انتشارات بهنامی، تهران ۱۳۸۳





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی